

پژوهشی در تاریخ تجارت دریایی ایران و چین نمونه مطالعاتی: بندر تاریخی نجیرم

حسین توفیقیان^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NB.2021.21925.2156

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۳۱

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۱۸-۱۹۱

چکیده

I. استادیار گروه باستان‌شناسی دوران تاریخی، پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.
htofighian@yahoo.com

از سده نخستین پیش از میلاد تجارت بین دنیای شرق و غرب از طریق جاده ابریشم آغاز گردید و کالاهای تجاری، سنن، فرهنگ و باورهای دینی بین تمدن‌های چین باستان و سرزمین‌های شرق مدیترانه مبادله شد. در کنار مسیرهای خشکی و به‌هنگام نامنی جاده ابریشم، مسیرهای آبی جایگزین مسیرهای قبلی شده و خلیج فارس حلقه اتصال بازارهای چین باستان با سرزمین‌های غربی‌تر گردید. در میان بنادر تاریخی خلیج فارس، مانند: مهرویان، سینیز، گناوه، ریشهر، سیراف، نای بند، حریره، هرمز قدیم و تیس، بندر کمتر شناخته شده نجیرم، نقش مهمی در تجارت دریایی بر عهده داشته است. این بندر تاریخی به فاصله (به خط مستقیم) ۶۰ کیلومتری شمال غربی بندر تاریخی سیراف و ۱۰ کیلومتری غرب شهر بندری دیر واقع شده است. در بررسی و شناسایی باستان‌شناسی بندر شمالی خلیج فارس در بهار ۱۳۸۸ ه.ش، بندر تاریخی بتانه که در منابع جغرافیای تاریخی «نجیرم» ذکر شده است مورد بازشناسی و مطالعه باستان‌شناسی قرار گرفت و مواد فرهنگی سطح محوطه به صورت تصادفی جمع‌آوری گردید. پراکندگی مواد فرهنگی شامل قطعات سفالی است که رایج‌ترین فرم آن‌ها، فرم اژدری و رایج‌ترین تکنیک تزئین، اسگرافیاتو است؛ هم‌چنین نمونه‌های سفال لعابدار فیروزه‌ای به فراوانی شناسایی شد. شناسایی ده‌ها قطعه سفال‌های چینی، مانند: سلاذن، چانگشا و آبی سفید و سکه‌های چینی حکایت از ارتباطات تجاری گسترده ایرانیان با چین باستان از دوره ساسانی تا سده‌های میانی دوران اسلامی داشت. پرسش‌های بنیادی این پژوهش بدین شرح است: ۱- مواد فرهنگی و وارداتی در بندر تاریخی نجیرم کدامند؟ ۲- برپایه مقایسه مواد فرهنگی بندر نجیرم با سایر نواحی، تجارت دریایی این بندر با سایر بنادر خلیج فارس و تمدن‌های دیگر چگونه است؟ در این پژوهش، ضمن معرفی سفال و سکه‌های متعلق به سلسله‌های چین باستان در بندر تاریخی نجیرم، این مواد فرهنگی با سایر محوطه‌های حوضه خلیج فارس مقایسه تحلیلی شده است. این مطالعات نشان‌دهنده جایگاه مهم نجیرم در شبکه تجارت دریایی درون منطقه‌ای در خلیج فارس و فرمانطقه‌ای از اقیانوس هند تا شرق آسیا (چین باستان) است. در جاده ابریشم دریایی، نجیرم پایه پای بندر تاریخی سیراف، کانون تجارت دریایی در خلیج فارس بوده است.

کلیدواژگان: خلیج فارس، بندر تاریخی نجیرم، سفال‌های تاریخی، سکه‌های تاریخی، چین باستان، بندر بتانه.

مقدمه

در بررسی باستان‌شناسی بنادر تاریخی خلیج فارس در سال ۱۳۸۸ ه.ش. ضمن بازشناسی و مطالعه بنادر باستانی مهرویان، سینیز، گناوه، ریگ، شیف، ریشهر، سیراف، نای بند و هاله، بندر مهم دیگری به نام «بتانه» شناسایی شد که به نظر می‌رسد همان بندر نجیرم در منابع تاریخی صدراسلام است. با مطالعه منابع نوشتاری صدراسلام نظیر: مسالک و الممالک «اصطخری» (متوفی به سال ۳۴۶ ه.ق.)، صورةالارض «ابن بلخی» (۳۶۷ ه.ق.)، حدودالعالم من المشرق الى المغرب (۳۷۲ ه.ق.)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم «مقدسی» (۳۸۰ یا ۳۹۰ ه.ق.)، فارسنامه «ابن بلخی» (۵۰۰ ه.ق.) و تقویم البلدان «ابوالفداء» (قرن ۸ ه.ق.) محدوده تقریبی بندر تاریخی نجیرم در سواحل غربی بندر دیر تعیین گردید.

درخصوص موقعیت قرارگیری بندر تاریخی نجیرم درمیان پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد، اما نگارنده معتقد است براساس اطلاعات منابع جغرافیای تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی به احتمال زیاد موقعیت بندر تاریخی نجیرم در محل قرارگیری محوطه «بتانه» یا «بی بی خاتون» است. بندر تاریخی نجیرم در حاشیه جنوبی جاده آسفالت بندر دیر به بوشهر و به فاصله ۱۰ کیلومتری غرب بندر دیر، در جبهه جنوبی امامزاده ابوالقاسم است. این بندر تاریخی که امروزه بتانه یا بی بی خاتون نامیده می‌شود به طول حدود سه کیلومتر و عرض ۸۰۰ متر به موازات سواحل شمالی خلیج فارس واقع شده است.

با توجه به فراوانی سفال‌های چینی، مانند: سفال سلادن، چانگشا و آبی سفید و ده‌ها قطعه سکه چینی در بندر تاریخی نجیرم، مهم‌ترین هدف این پژوهش مطالعه ارتباطات تجاری خلیج فارس با تمدن‌های شرق آسیا مانند چین باستان در دوره ساسانی تا سده‌های میانی اسلامی است. با توجه به وجود ابهامات فراوان درخصوص تجارت دریایی، دریانوردی و کشتیرانی ایرانیان در خلیج فارس، مطالعه مواد فرهنگی به دست آمده از نجیرم کمک شایانی به روشن شدن زوایای تاریک تجارت دریایی با سرزمین‌های دور خواهد کرد.

پرسش‌های پژوهش: پرسش‌های بنیادی این پژوهش بدین شرح است:
۱- مواد فرهنگی و وارداتی در بندر تاریخی نجیرم کدامند؟ ۲- برپایه مقایسه مواد فرهنگی بندر نجیرم با سایر نواحی، تجارت دریایی این بندر با سایر بنادر خلیج فارس و تمدن‌های دیگر چگونه است؟

روش پژوهش: در بررسی و شناسایی باستان‌شناسی بندر نجیرم در سال ۱۳۸۸ ه.ش. سفال‌های سطح این محوطه شامل سفال با لعاب فیروزه‌ای، اسگرافیاتو، نوک اژدری، لعاب‌پاشیده و سفال ساده بدون لعاب با نقوش کنده یا افزوده، و سایر مواد فرهنگی مانند: قطعات گچ‌بری، سکه، مهر و اشیاء فلزی به صورت تصادفی جمع‌آوری گردید و مورد مطالعه قرار گرفت. هم‌چنین سایر مواد فرهنگی مانند: سکه‌های چینی، سفال‌های سلادن، آبی سفید و چانگشا از سلسله‌های مختلف که نشان‌دهنده ارتباطات تجاری با چین باستان بود مورد دقت نظر قرار گرفت. روش گردآوری اطلاعات در این مقاله، پژوهش میدانی و

مطالعات کتابخانه‌ای است و روش تحقیق مطالعات تطبیقی با رویکرد توصیفی - تحلیلی یافته‌های حاصل از بررسی و شناسایی باستان‌شناسی بندر تاریخی نجیرم است. بدین منظور ابتدا سفال‌های نوع چینی از میان انبوه سفال‌های مکشوف تفکیک، بررسی و طبقه‌بندی گردید؛ سپس به منظور مقایسه و گاهنگاری نسبی آن‌ها، سفال‌های چینی سایر بنادر تاریخی خلیج فارس مورد مطالعه قرار گرفت.

نگاهی به جغرافیای تاریخی بندر تاریخی نجیرم

در میان منابع جغرافیای تاریخی، نوشته‌های اصطخری اشاره دقیق‌تری به محل قرارگیری بندر نجیرم نموده است؛ وی فاصله بندر نجیرم تا سیراف را ۱۲ فرسنگ، یعنی ۷۲ کیلومتر ذکر کرده است که این مسیر از سیراف (بندر طاهری) به طرف غرب به ویرانه‌های نجیرم می‌رسد. وی، نجیرم را دارای دو منبر و جزو سیراف و هم‌سطح با جم معرفی کرده است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۴۰).

«ابن حوقل» در کتاب صورة الارض ضمن اشاره به توج و نجیرم، از رودی یاد کرده که از طرف چپ نجیرم عبور می‌کند و از دریاچه سکان می‌آید. ابن حوقل، سیراف را دارای دو منبر شامل نجیرم و جم معرفی کرده است؛ وی فاصله سیراف تا نجیرم را ۱۲ فرسخ ذکر کرده و آن را جزو نواحی گرمسیر توصیف کرده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۵۵-۳۷) مقدسی در احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم به سال ۳۷۵ ه.ق. در خصوص نجیرم چنین آورده است: «نجیرم نیز کنار دریاست و دو جامع دارد که صحن یکی از آن‌ها در سنگ تراشیده شده است. بازاری در بیرون شهر دارد. از چاه و برکه‌ها می‌آشامند که از باران انباشته شده است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۱).

ابن بلخی در فارسنامه، «اردشیرخوره» را شامل سه «سیف» معرفی کرده و سیف سوم را «مظفر» در شمال نجیرم آورده است؛ وی ضمن توصیف موقعیت سیراف و نای بند، بندر نجیرم را بندری کم‌اهمیت در باختر سیراف و آن طرف دهانه رود سکان معرفی کرده است. ابن بلخی، فاصله بین شیراز تا نجیرم را ۶۵ فرسنگ ذکر کرده است (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۱۷). «جیهانی» در اشکال العالم فاصله شیراز تا نجیرم را ۷۰ فرسخ ذکر کرده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۹). هم‌چنین در حدود العالم من المشرق الی المغرب به سال ۳۷۲ ه.ق. که از قدیمی‌ترین کتاب‌های جغرافیاست، نجیرم را جای بازرگانی و بر کران دریا معرفی کرده است (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۳۲). «ابوالفداء» در اوایل قرن هشتم هجری قمری نجیرم را جزو شهرهای فارس ذکر کرده است (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۷۲).

در میان مستشرقین «شوارتس» محل قرارگیری نجیرم را حوالی دیر معرفی کرده است (شوارتس، ۱۳۸۲: ۹۶). «لسترنج» ابتدا محل قرارگیری نجیرم را در کتاب خلافت شرقی، محل دیگر معرفی کرده است (لسترنج، ۱۳۷۳: ۷۵)؛ اما بعداً نوشته‌های خود را اصلاح کرده و در کتاب دیگری به نام استان فارس در ایران محل نجیرم را در نزدیکی بندر دیر ذکر نموده است (Le Strange, 1912: 49). متأسفانه به دلیل ترجمه نشدن کتاب جدید، بسیاری از محققین محل نجیرم را با تبعیت از لسترنج در کتاب جغرافیای خلافت شرقی در محلی غیر از نجیرم واقعی معرفی می‌کنند.

پیشینه پژوهش

بندر تاریخی نجیرم، یکی از ناشناخته‌ترین بنادر تاریخی خلیج فارس است. در منابع جغرافیای تاریخی از بندر نجیرم نام برده شده، اما در مورد محل قرارگیری بندر تاریخی نجیرم اتفاق نظر وجود ندارد و به اعتقاد عامه مردم این بندر تاریخی در محل روستای زیارت در شهرستان دشتی است.

محوطه نجیرم ابتدا توسط «وایت‌هاووس» (وایت‌هاووس، ۱۳۸۶: ۱۴۷)، «استین» (Stein, 1937: 45)، «پاول شوارتس» (شوارتس، ۱۳۸۲: ۳۴) و لسترنج (Le Strange, 1912: 49) مورد بازدید قرار گرفت و نام بردگان محوطه بتانه را همان نجیرم تاریخی معرفی کردند. در میان باستان‌شناسان ایرانی «علی‌اکبر سرفراز» در بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان کنگان از این بندر بازدید کرد و آن را بندر تاریخی نجیرم نامید (سرفراز، ۱۳۸۴: ۳). طی برنامه بررسی باستان‌شناسی بندر تاریخی خلیج فارس در سال ۱۳۸۸ ه.ش. که به سرپرستی نگارنده و حمایت مالی اداره کل میراث فرهنگی استان بوشهر انجام شد، بندر باستانی نجیرم مورد بازشناسی قرار گرفت و مواد فرهنگی سطح این محوطه مطالعه گردید (توفیقیان، ۱۳۹۳: ۶۰). تاکنون کاوش باستان‌شناختی در بندر تاریخی نجیرم انجام نشده است.

مواد فرهنگی وارد شده از چین در بندر تاریخی نجیرم (بتانه)

ویرانه‌های محوطه تاریخی بتانه یا بی‌بی خاتون که در منابع جغرافیای تاریخی به نام «نجیرم» آمده است، شامل پراکندگی آثار سطحی و مواد فرهنگی بر روی بقایای معماری یک بندر تاریخی است که به طول سه کیلومتر در حاشیه ساحل خلیج فارس و به فاصله ۱۰ کیلومتری غرب بندر دیر قرار گرفته است. این محوطه در ۲۷° ۵۰' ۲۴" درجه طول جغرافیایی و ۴۸° ۴۹' ۵۱" درجه عرض جغرافیایی، شامل تپه‌ماهورهای طبیعی به ارتفاع بیش از ۱۰ متر و مشرف به دریا و زمین‌های پست ساحلی است که به وسیله بقایای معماری پوشانده شده است. تقریباً تمامی سطح این محوطه به وسیله ماشین‌آلات راه‌سازی تسطیح شده و تبدیل به زمین‌های بزرگ برای فروش به شرکت‌های نفتی و گازی شده است. بر روی تپه‌ماهورهای طبیعی مشرف به دریا بقایای ده‌ها آب‌انبار ساخته شده از سنگ و ساروج و کانال‌های انتقال آب در بخش‌های مختلف محوطه قابل مشاهده است. در جبهه غربی محوطه، یک خور بزرگ که با جزر و مد دریا پر و خالی می‌شود در کنار بقایای دیوارهای سنگ و ساروجی حاشیه این خور، تنها بقایای لنگرگاهی این محوطه است که از تخریب‌های گسترده طبیعی و انسانی در امان مانده است. متأسفانه گسترش تأسیسات گازی و پالایشگاهی در جبهه غربی و دیگر کارگاه‌های تولیدی در جبهه شرقی و جنوب شرقی محوطه، باعث تخریب و تصرف عرصه و حریم بندر تاریخی نجیرم شده است. در جبهه شمالی نیز گسترش بنای امامزاده بی‌بی خاتون و گورستان معاصر پیرامون آن، صدمات بیشتری به پیکر بی‌جان این محوطه وارد ساخته است. به دلیل فقدان کاوش باستان‌شناسی اطلاعات چندانی در خصوص معماری و ساختار صنعتی، تجاری و جمعیتی آن در دسترس نیست، اما مطالعه مواد

فرهنگی سطح این محوطه که طی یک فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناسی جمع‌آوری شده است اطلاعات با ارزشی درخصوص تجارت دریایی خلیج فارس در اختیار می‌گذارد.

در بررسی باستان‌شناسی بندر تاریخی نجیرم، علاوه بر سفال‌های دوره ساسانی و سده‌های نخست اسلامی شامل: سفال اژدری، لعاب فیروزه‌ای و اسگرافیاتو، لعاب پاشیده، سفال ساده بدون لعاب و ساده با نقش کنده، افزوده یا استامپی، تعداد زیادی سفال و سکه‌های چینی نیز به دست آمد که نشان‌دهنده تبادلات تجاری بین ایران و چین از دوره ساسانی تا سده‌های میانی دوران اسلامی است. در این بخش به توضیح هر یک سفال‌ها و سکه‌های چینی مکشوف از بندر تاریخی نجیرم پرداخته و سپس مقایسه تحلیلی انجام خواهد شد.

سفال‌های چینی بندر تاریخی نجیرم (بتانه)

سفال سلادن: اولین گروه از سفال‌های مشکوف از بندر تاریخی نجیرم، سفال‌های چینی هستند که از شرق آسیا به این محوطه تجارت شده‌اند. درمیان این سفال‌های چینی، سفال سلادن از فراوانی بیشتری برخوردار است.

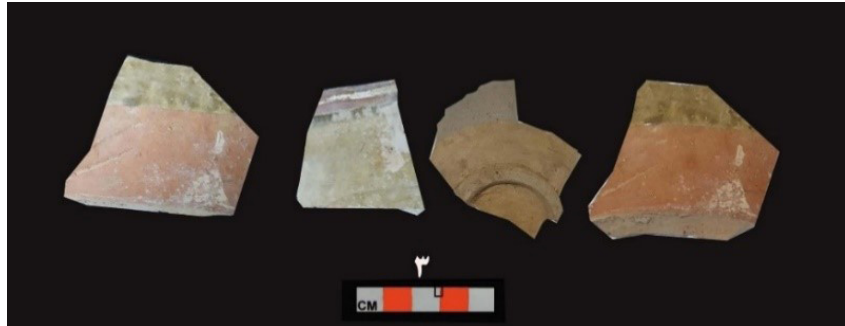
سلادن‌های مکشوف از نجیرم متعلق به سلسله‌های مختلف چین هستند. این سفال‌ها با لعاب سبز زیتونی و شیری، از خمیر چینی ساخته شده و فاقد تزئینات بوده و شامل ظروف کوچک، پیاله و کاسه هستند (شکل ۱). سفال با لعاب شیری یا سفید به نام «سفال سفید شمال» (Northern White Ware) متعلق به دوره تانگ است. سفال با لعاب سبز زیتونی متعلق به قرن نهم و قرن یازدهم میلادی است. هم‌چنین سه قطعه کف و دو قطعه شانه ظرف با دسته از جنس سلادن و نوع یوئه (YUE) است که با نقش گیاهی و احتمالاً نقش یک گل به چشم می‌خورد (شکل ۲). این قطعات سفال سلادن متعلق به اواخر قرن سوم تا پنجم هجری قمری و قابل مقایسه با نمونه‌های مکشوف از سیراف هستند (Whitehouse, 1968: 1-22, P: 17). سلادن نوع یوئه شامل خمره‌های متوسط با پوشش لعاب در بالا و بدون لعاب در پایین ظرف از دیگر سلادن‌های نجیرم (راست) است که قابل مقایسه با نمونه مشابه از چین (چپ) می‌باشد (شکل ۳ و ۴)، (Whitehouse, 1968: 17; Tampo, 1989: 51-54). هم‌چنین تعداد بیشتری قطعات شکسته سفال از نوع یوئه شامل دسته و بدنه با لعاب‌های سبز در طیف‌های مختلف به چشم می‌خورد (شکل ۵). از دیگر انواع سلادن‌های به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم چند قطعه سفال شکسته از نوع لانگ‌چوان است (شکل ۶). این سلادن‌ها قابل مقایسه با نمونه‌های به دست آمده از مجموعه سفال‌های «ویلیامسون» در موزه لندن است که از سواحل جنوب ایران جمع‌آوری شده است (شکل ۷)؛ هم‌چنین سلادن‌های نوع لانگ‌چوان نجیرم قابل مقایسه با سلادن‌های جزیره کیش است (شکل ۸)، (سورتیجی، ۱۳۸۴).
سفال چانگشا: دومین سفال چینی مشکوف از بندر تاریخی نجیرم سفال چانگشا متعلق به سلسله تانگ و قرن نهم میلادی است. این سفال چینی که برخلاف سلادن دارای تزئینات است، به چند شکل متفاوت دیده می‌شود. نوع



شکل ۱. سفال‌های سلادن سفید متعلق به سلسله تانگ قرن نهم میلادی به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم (نگارنده، ۱۳۹۹).

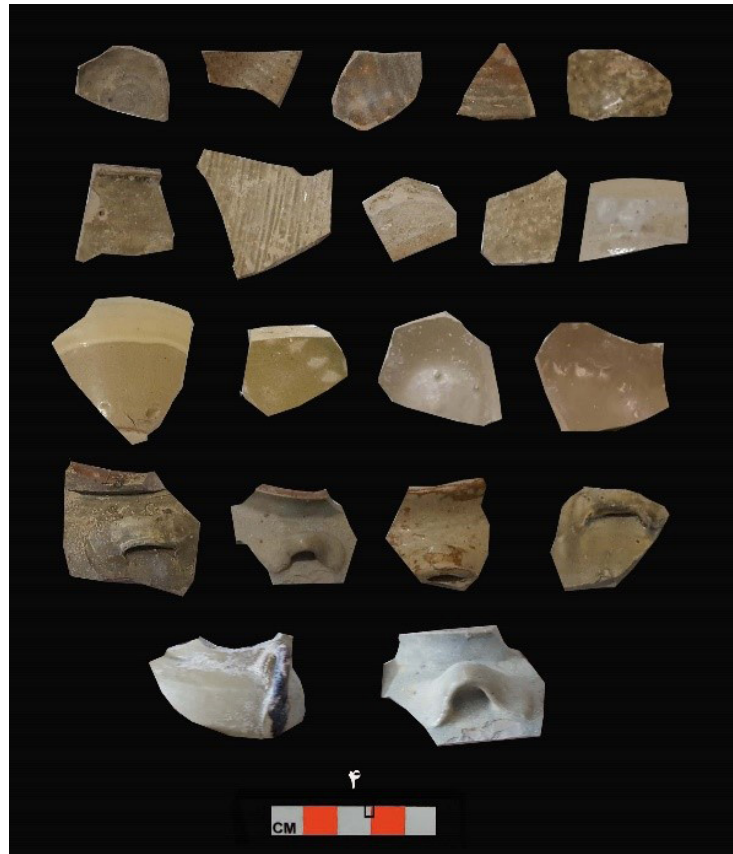


شکل ۲. ظرف بشقاب شامل سلادن نوع یونه با نقوش گیاهی در داخل سفال متعلق به سلسله سونگ (نگارنده، ۱۳۹۹).

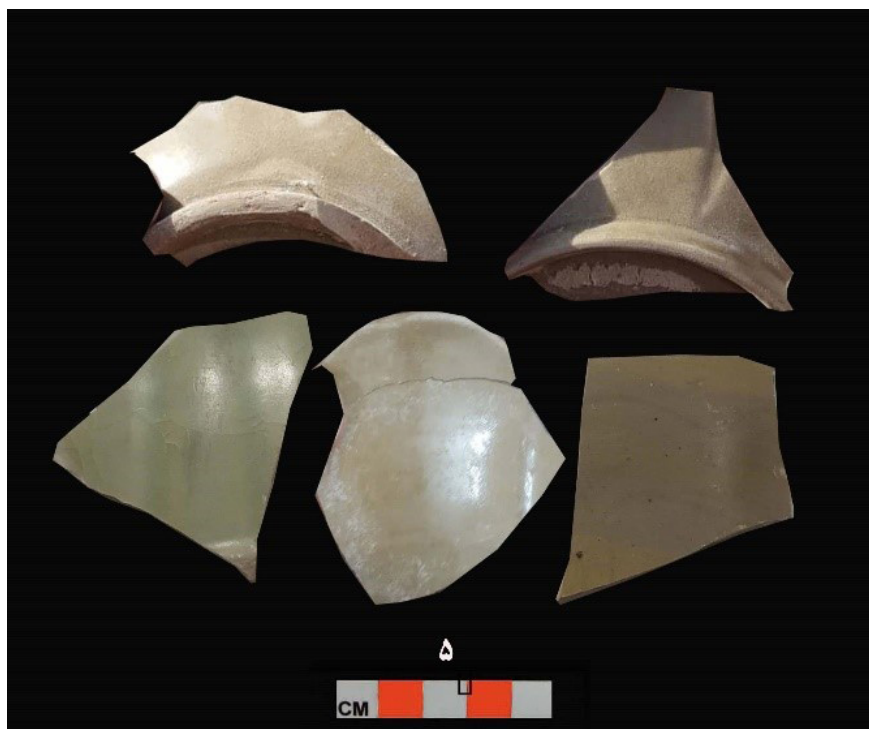


▲ شکل ۳. سلادن نوع یوننه شامل خمره‌های متوسط با پوشش لعاب در بالا و بدون لعاب در پایین طرف از نجیرم (راست): قابل مقایسه با نمونه مشابه از چین (چپ)، (Whitehouse, 1968: 17; Tampo, 1989: 51-54).

► شکل ۴. تکه‌ای سلادن یوننه که بخشی از یک خمره متوسط است از نجیرم (راست): قابل مقایسه با نمونه مشابه از چین (چپ) (Hansman, 1985: 25-27; Priestman, 2013: 665; Krahl, 1986ii: 235-236).



► شکل ۵. سفال‌های سلادن نوع یوننه به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم (نگارندگان، ۱۳۹۹).



شکل ۶. سفال‌های سلادن لانگ‌چوان به‌دست آمده از بندر تاریخی نجیرم (نگارنده، ۱۳۹۹).



شکل ۷. قطعات سلادن‌های لانگ‌چوان به‌دست آمده از جنوب ایران (برگرفته از: مجموعه ویلیامسون، موزه لندن؛ نگارنده، ۱۳۹۹).

نخست با خمیره سنگ‌نما به رنگ نخودی با لعاب شیرینی و نقوش سیاه رنگ و سبز کم‌رنگ، به فرم کاسه (شکل ۹) و نوع دوم با پوشش سبز کم‌رنگ و نقوش سبز زیتونی و قهوه‌ای شامل نقوش ساده خطی و گل‌دار دیده می‌شود (شکل ۱۰). سومین نوع شامل خمیره کرم و نقوش سبز و قهوه‌ای رنگ به صورت خطوط موج است (شکل ۱۱). سفال‌های نوع چانگشا نجیرم قابل مقایسه با نمونه‌های مکشوف



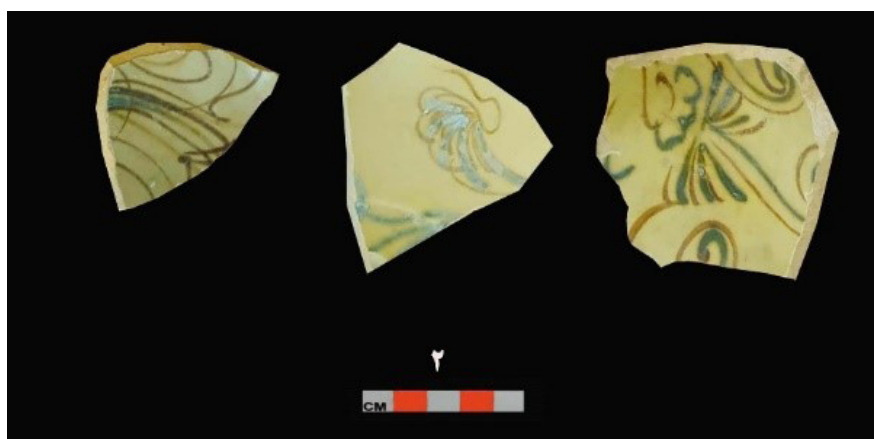
► شکل ۸. سلاذن‌های لانگ‌چوان جریره کیش (سورتیجی، ۱۳۸۴).



از بندر تاریخی مهریان (شکل ۱۲)، (توفیقیان و اسماعیلی، ۱۳۸۸)، بندر تاریخی سیراف (شکل ۱۳)، (وایت‌هاووس، ۱۳۵۴) و کشتی بلیتون در مالزی (شکل ۱۴)، (قرن نهم، سلسله تانگ) است. سفال چانگشا از نظر فرم نیز به دو گروه اصلی کاسه و خمیره‌های متوسط و کوچک تقسیم می‌شود که بر روی این خمیره‌ها نقش مایه‌های مختلف به اشکال نخل خرما، درخت سالا و موزیسین رقصنده و ... به چشم می‌خورد (اشکال ۱۵-۱۷).



► شکل ۹. اولین نوع از سفال چانگشا به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم (سلسله تانگ، قرن نهم میلادی)، (نگارندگان، ۱۳۹۹).



شکل ۱۰. دومین نوع از سفال چانگشا به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم (سلسله تانگ، قرن نهم میلادی)، (نگارنده، ۱۳۹۹). ◀



شکل ۱۱. سومین نوع از سفال چانگشا به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم (نگارنده، ۱۳۹۹). ◀



▲ شکل ۱۲. یک قطعه سفال چانگشا به دست آمده از بندر تاریخی ماهرویان (توفیقیان و اسماعیلی، ۱۳۸۸).

► شکل ۱۳. قطعات سفال چانگشا مکشوف از بندر تاریخی سیراف (وایت‌هاووس، ۱۳۵۴).



► شکل ۱۴. سفال‌های چانگشا مکشوف از کشتی بلیتون در مالزی (قرن نهم، سلسله تانگ)، (نگارندگان، ۱۳۹۹).



► شکل ۱۵. سفال چانگشا به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم با نقش برگ نخل (راست)؛ قابل مقایسه با نمونه مشابه از چین (چپ) (برگرفته از: موزه ملی گوانجو، چین؛ نگارندگان، ۱۳۹۹).





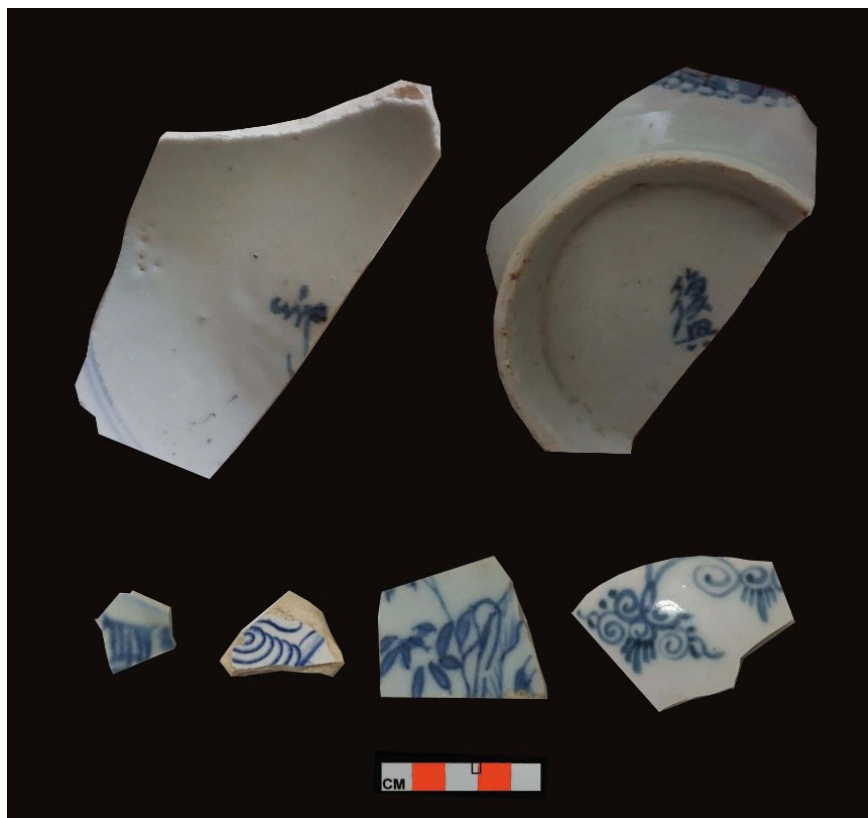
شکل ۱۶. سفال چانگشا شامل نقش مایه شیر، به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم (راست)؛ قابل مقایسه با نمونه مشابه از چین (برگرفته از: موزه ملی گوانجو، چین؛ نگارنده، ۱۳۹۹).



شکل ۱۷. سفال چانگشا با نقش نوازنده، به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم (راست)؛ قابل مقایسه با نمونه مشابه از چین (برگرفته از: موزه ملی گوانجو، چین؛ نگارنده، ۱۳۹۹).

سفال آبی سفید: سومین سفال چینی مشکوف از بندر تاریخی نجیرم چینی‌های آبی سفید هستند. این نوع سفال، شامل خمیر چینی هستند که رنگ زمینه سفید و نقوش مختلف به رنگ آبی ایجاد شده است. داخل و ته این سفال حروف چینی به چشم می‌خورد. سفال‌های آبی سفید چین در دوره مینگ و هم‌زمان با دوره صفویه وارد ایران شده است (Krahl, 1997: 154). این سفال دارای نقوش: جانوری، گیاهی، انتزاعی، انسانی و کتیبه‌نگاره به رنگ آبی بر زمینه سفید است که در دوره صفویه سفالگران ایرانی تلاش کردند از آن تقلید نموده و اقدام به تولید سفال آبی سفید ایرانی کردند؛ البته تاریخ تولید سفال آبی سفید در چین به قرن یازدهم میلادی برمی‌گردد، اما اوج تجارت این سفال از چین به ایران، عهد صفوی است. در این دوره، بسیاری از سفال‌های آبی سفید به سفارش پادشاه صفوی در کوره‌های

سفالگری چین تولید می‌شد و مهرهایی به زبان فارسی یا چینی دال بر سفارش تولید و هدیه ظروف سفالی آبی سفید به امامان و امامزاده‌های ایران به چشم می‌خورد. گاهی اوقات این موضوع به زبان چینی در داخل و بیرون سفال نوشته می‌شد (Priestman, 2005: 310-325). علاوه بر نمونه‌های به دست آمده از حوضه خلیج فارس، مطالعه نمونه‌های عینی توسط نگارنده در موزه ملی شانگهای نشان‌دهنده وجود تعداد زیادی از این سفال‌هاست (شکل ۱۸).



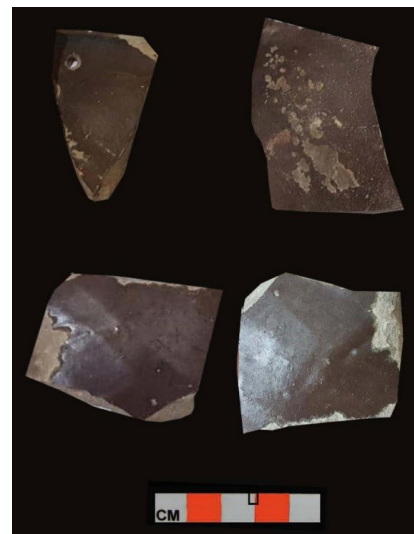
► شکل ۱۸. قطعات سفال آبی سفید با حروف چینی، به دست آمده از بندر تاریخی نجیرم (نگارندگان، ۱۳۹۹).

سفال با لعاب قهوه‌ای: به طور کلی، سفال‌های دارای لعاب قهوه‌ای به دو شکل کلی خمه‌های متوسط با چهار دسته افقی و دهانه تنگ و خمه‌های کوچک با دهانه باز و گردن متوسط روی شانه ظرف است که دارای نقش برجسته بر روی بدنه سفال است (شکل ۱۹-۲۲).

- **نوع نخست:** سفال با لعاب قهوه‌ای از دیگر سفال‌های چینی است که به صورت خمه‌های کوچک و بزرگ دیده می‌شود؛ تعدادی از قطعات سفال با لعاب قهوه‌ای تیره و براق مربوط به خمه‌های بزرگ با چهار دسته افقی روی شانه ظرف است که برای حمل مایعات به کار می‌رفته است. از این نوع سفال در کاوش‌های شهر تاریخی حریره در جزیره کیش شناسایی شده است (سورتیجی، ۱۳۸۴). هم‌چنین خمه‌های متوسط با لعاب قهوه‌ای براق در کشتی تاریخی نانجایی یک در عمق ۲۲ متری دریای جنوبی چین به تعداد زیاد به دست آمده است که برای تجارت در بازارهای خاورمیانه و مدیترانه به وسیله این کشتی حمل می‌شده است.

امروزه این کشتی و محتویات آن در موزه‌ای به همین نام در شهریان جان در استان گوانجو نگه‌داری می‌شود. تعداد چهار عدد سفال با لعاب قهوه‌ای تیره و براق از بندر تاریخی نجیرم شناسایی شده است که شامل سفال بدنه ظرف است و احتمالاً متعلق به خمره‌های متوسط با چهار عدد دسته افقی روی شانه ظرف است.

- **نوع دوم:** دومین گروه از سفال‌های با لعاب قهوه‌ای روشن و براق متعلق به خمره‌های کوچک با دهانه‌باز است که یک نمونه از این سفال در کاوش‌های بندر تاریخی سیراف توسط وایت‌هاووس شناسایی شده است. مطالعه دقیق‌تر



▲ شکل ۱۹. سفال با لعاب قهوه‌ای تیره و براق متعلق به خمره‌های متوسط با چهار دسته افقی و دهانه تنگ (نگارنده، ۱۳۹۹).



شکل ۲۰. خمره سفالین با لعاب قهوه‌ای و چهار دسته افقی از حریره (راست)، (تصویر از: سامان سورتیجی) و کشتی تاریخی نانحایی یک از دریای جنوبی چین (چپ)، (برگرفته از: موزه نانحایی یک، چین؛ نگارنده، ۱۳۹۹).

سفال‌های با لعاب قهوه‌ای نیازمند انجام کاوش‌های باستان‌شناسی و شناسایی این سفال به صورت ظروف سالم در میان لایه‌های فرهنگی است.

سکه‌های چینی مکشوف از بندر تاریخی نجیرم

در بررسی باستان‌شناسی بندر تاریخی نجیرم، تعداد زیادی سکه‌های چینی از سلسله‌های «جین»، «تانگ» و «سونگ» شناسایی گردید. دودمان جین (۴۲۰-۲۶۵ م.) سلسله‌ای بود که پس از دوره سه امپراتوری (کائو وی، ووی شرقی و شوهان) وحدت چین را به طور موقتی برقرار نمود. این حکومت به دو دوره غربی و شرقی تقسیم می‌شود (عزیزی، ۱۳۹۷: ۲۱۴).

سلسله تانگ از سال ۶۱۸ تا ۹۰۷ م. بر سرزمین چین فرمان راند، ولی در یک دوره کوتاه مدت در سال ۶۹۰ م. ملکه «زتیان» دودمان تانگ را به پایان رساند و دودمان «ژو دوم» را پایه‌ریزی کرد. بعد از مرگ او، پسرش به سلطنت رسید و دودمان تانگ دوباره شروع شد (همان: ۲۱۵).

دودمان سونگ، بین سال‌های ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ م. بر چین فرمانروایی کرد. پیش از این دودمان پنج سلسله و ده پادشاهی و پس از آن دودمان «یوان» حکم رانند.



▲ شکل ۲۱. دومین نوع سفال با لعاب قهوه‌ای روشن متعلق به خمره‌های کوچک (نگارندگان، ۱۳۹۹).

دودمان سونگ، نخستین دولت جهان بود که اقدام به چاپ اسکناس یا پول کاغذی نمود. دودمان سونگ را عموماً به دو بخش سونگ شمالی و جنوبی تقسیم می‌کنند. سرسلسله این دودمان، امپراتور «تایزو» بود که از سال ۹۶۰ تا ۹۷۶ م. پادشاهی کرد. در این دوره آئین‌های بودایی، تائوئیسم، کنفوسیوس‌گرایی و ادیان سنتی در چین رواج داشت (همان: ۲۱۷).

سکه‌های چینی بندر تاریخی نجیرم: در بررسی باستان‌شناسی بندر تاریخی نجیرم تعداد ۱۱ عدد سکه چینی شناسایی و مطالعه گردید که تعداد پنج قطعه سکه کامل و شش قطعه سکه شکسته است. دو عدد از سکه‌های سالم متعلق به سلسله تانگ (۶۱۸ تا ۹۰۷ م.) است (شکل ۲۳). از میان سکه‌های شکسته یک عدد مربوط به سلسله جین (۱۲۳۴-۱۱۱۵ م.) است. سکه دیگر، مکشوف از بندر تاریخی نجیرم از سلسله سونگ جنوبی (۹۶۰ تا ۱۲۷۹ م.) است؛ هم‌چنین یک قطعه سکه چینی از سلسله یوان (۱۲۷۱-۱۳۶۸ م.) به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده استمرار تجارت با چین در دوره‌های بعد از سونگ می‌باشد. سایر قطعات سکه شامل: یک سکه سالم و پنج قطعه سکه شکسته به دلیل رسوب زیاد و فرسایش شدید سطح سکه امکان قرائت و تاریخ‌گذاری آن‌ها وجود ندارد.

آخرین سکه چینی مکشوف از بندر تاریخی نجیرم متعلق به سلسله «چینگ» است. سلسله چینگ بزرگ یا دودمان «منچو» آخرین سلسله پادشاهی چین است که از سال ۱۶۴۴ تا ۱۹۱۲ م. بر چین حکمرانی می‌کرد. این دودمان با براندازی سلسله «مینگ» به قدرت رسید و با تشکیل جمهوری خلق چین به پایان رسید (عزیزی، ۱۳۹۷: ۲۱۷). سکه به دست آمده از این سلسله، یک سکه ماشینی است که به تاریخ ۱۸۵۱ م. ضرب شده است. این سکه با نقش پادشاه و ازدها در طرفین سکه می‌باشد.

اگرچه هنوز سکه‌ای از دوره سلسله مینگ شناسایی نشده است، اما سفال‌های این دوره که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ م. بر چین حکومت می‌کردند، در نجیرم شناسایی شده است.




بحث و تحلیل

در بررسی باستان‌شناسی بندر تاریخی نجیرم تعداد زیادی سفال‌های چینی شناسایی شد که نشان‌دهنده تجارت دریایی از دوره ساسانی تا سده‌های میانی اسلامی بود. این سفال‌های چینی شامل قطعات سلاذن، چانگشا، آبی سفید و لعاب قهوه‌ای بود.





سلاذن از قدیمی‌ترین سفال‌های تولید چین هستند که ابتدا در سلسله «هان» (۲۰۶ پ. م. - ۲۲۱ م.) تولید شد و تا قرن ۱۷ م. ادامه یافت (Valnstein, 1988: 203). سلاذن در دوره سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹ م.) در نهایت ظرافت و زیبایی تولید شده است و در دوره‌های یوان (۱۲۷۱-۱۳۶۸ م.) و مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ م.) ادامه یافت؛ اما در دوره مینگ با تولید سفال آبی سفید، سلاذن از رونق افتاده و نهایتاً منسوخ شد (Deng, 2011: 49). سلاذن‌ها به دو گونه تقسیم‌بندی شده‌اند؛ نخست، براساس



▲ شکل ۲۲. خمره کوچک با لعاب قهوه‌ای روشن و نقش‌افزوده از سیراف (نگارندگان، ۱۳۹۹).

<p>سکه چینی سلسله تانگ، وزن ۲.۴۳ گرم</p>	
<p>سکه چینی سلسله تانگ، وزن ۳.۲۷ گرم</p>	
<p>سکه چینی سلسله سونگ، جنوبی، وزن ۶.۲۶</p>	
<p>تکه سکه چینی سلسله جین، وزن ۱.۰۶ گرم</p>	

شکل ۲۳. سکه‌های چینی مکشوف از بندر تاریخی نجیرم (نگارنده، ۱۳۹۹). ◀

<p>تکه سکه چینی از سلسله وان، وزن ۱.۰۴ گرم</p>	
<p>سکه چینی، وزن ۲.۹۶</p>	
<p>سکه چینی بدون حروف چینی</p>	
<p>تکه سکه چینی، وزن ۰.۹۶ گرم</p>	

<p>تکه سکه چینی، وزن ۱.۶۳ گرم</p>	
<p>تکه سکه چینی، وزن ۱.۹۶ گرم</p>	
<p>تکه سکه چینی، وزن ۱.۰۳ گرم</p>	
<p>سکه ماشینی چینی از سلسله چینگ، ضرب ۱۸۵۱ با نقش پادشاه و ازدها در طرفین سکه</p>	

تاریخی و سلسله‌ها (Chen, 2000: 6) و سپس، براساس تقسیم‌بندی مکانی شامل سلاذن‌های چین شمالی و جنوبی (Garner, 1959: 26). سفال نوع یوئه با لعاب زیتونی از قرن سوم تا دوازدهم میلادی در «نینگ شائوکینگ» (Ning-Shaxoing) تولید شده است و نام آن از نام شهری محل تولید آن، یعنی شهر «یوئه‌زو» (Yuezhou) گرفته شده است (Fuqua, 2007: 12). سفال یوئه از دوره تانگ (۶۱۸-۹۰۷ م.) به اقیانوس هند و خلیج فارس تجارت شده (Tampeo, 1989: 100) و در کشورهای ایران و عراق عرضه گردید (Whitehouse, 1968: 17). نخستین سلاذن‌ها به نام گونه یوئه در قرن سوم هجری قمری وارد خلیج فارس شده‌اند.

دومین نوع سفال سلاذن، سفال «لانگ چوان» است که با لعاب سبزرنگ و به‌عنوان ظروف سبز از ۹۵۰ تا ۱۵۵۰ م. در استان شیجیان در جنوب غرب چین و استان فوجیان در بیش از ۵۰۰ کوره سفالگری ساخته می‌شده است. نام این سفال از شهری به همین نام گرفته شده و بیشترین تعداد از این سفال در دوره سونگ شمالی (۹۶۰ تا ۱۱۲۷ م.) تولید شده است، اما ادامه تولید با کیفیت این سفال در دوره مینگ (۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ م.) بوده است که به مدت پنج قرن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای تجاری چین تولید و به کشورهای زیادی من جمله کره و ژاپن و کشورهای خاورمیانه صادر می‌شده است. گسترش این سفال نهایتاً به وسیله تولید سفال آبی سفید متوقف گردید. سفال‌های لانگ‌چوان با خمیره خوب حرارت دیده با لعاب سبز زیتونی تا آبی مایل به سبز و قهوه‌ای دیده می‌شود. تمامی این رنگ‌ها از لعاب بیرون می‌آمدند و گاهی بخشی از بدنه به‌عنوان تزئین بدون لعاب باقی می‌ماند. و تزئینات کنده بسته به نوع و شکل ظرف انجام می‌شد. اشکال این سفال اغلب ساده بود و اجازه می‌داد تا رنگ لعاب برای هر قطعه سفال متفاوت باشد، اما بعداً بیشتر نقوش در همه تولیدات مشترک بود (Britt, 2007: 68).

قطعات سلاذن در سیراف (گونه یوئه و لانگ‌چوان)، کیش (گونه لانگ‌چوان)، شوش، هرمز (گونه یوئه)، مهربان و برخی شهرهای داخلی مانند: سیرجان، نیشابور، کرمان، ری، گرگان و استخرشناسایی شده است (Whitehouse, 1968: 17). سفال‌های سلاذن مکشوف در سیراف از نوع یوئه متعلق به قرن سوم هجری قمری و تعداد کمتری گونه لانگ‌چوان از اواخر قرن پنجم هجری قمری است (Ibid); اگرچه تجارت بین ایران و چین از دوره تانگ و ساسانی آغاز شده است، اما سفال سلاذن یوئه برای اولین بار در قرن سوم به‌عنوان کالای تجاری مورد استفاده قرار گرفته است (Kennet, 2004: 71; Guy, 1986: 76). ظروف سلاذن گونه یوئه در محوطه کوش در منطقه رأس‌الخیمه (متعلق به دوره ساسانی تا قرن هشتم هجری قمری) در کشور امارات به دست آمده است. سلاذن نوع لانگ‌چوان در محوطه المتف متعلق به قرن ۸ و ۹ ه.ق. شناسایی شده است؛ هم‌چنین در بصره، کوفه، واسطو سامرا در عراق و جمیرا در امارات و برهمن‌آباد در سند، سلاذن نوع یوئه شناسایی شده است (Kennet, 2004: 61). سلاذن یوئه اغلب ساده و بدون تزئین هستند، اما از میانه دوره تانگ این سفال با نقوش کنده‌کاری تزئین شده‌اند. این نقش شامل: گل لوتوس، پرنده، پروانه، چشم‌انداز، ماهی، اژدها و گل است؛ هم‌چنین تزئینات

استامپی هم دیده می‌شود (Fuqua, 2007: 12; Gompertz, 1963: 25). فرم‌های معمول سلاذن یوئه به صورت کاسه، کوزه، بشقاب، دیگ، سینی، فنجان، نعلبکی و بخوردان است (Tampeo, 1989: 52). سفال سلاذن یوئه از قرن سوم تا اوایل ششم هجری قمری تجارت شده است و در قرن ششم هجری شمسی سلاذن گونه لانگ چوان جای گونه یوئه را گرفت. سلاذن گونه لانگ چوان در کیش و متعلق به قرن هفتم و هشتم هجری قمری شناسایی شده است.

در بررسی باستان‌شناسی بندر تاریخی نجیرم تعداد ۱۰ قطعه سفال سلاذن با پوشش سفید رنگ از سلسله تانگ (قرن نهم میلادی) ۳ عدد سلاذن نوع یوئه شامل بشقاب با نقوش گیاهی از سلسله سونگ (۹۶۰ تا ۱۲۷۹ م.)، ۴ عدد سلاذن نوع یوئه شامل فرم خمیره‌های متوسط با پوشش لعاب در بالای ظرف، ۱ قطعه سلاذن یوئه شامل خمیره متوسط با پوشش کامل لعاب در بالا و پائین ظرف، ۲۰ عدد سفال یوئه شامل بدنه، لبه و دسته ظروف شناسایی شد؛ هم‌چنین تعداد ۵ قطعه سفال سلاذن نوع لانگ چوان مورد مطالعه قرار گرفت. شناسایی تعداد زیاد سفال‌های سلاذن از سلسله تانگ تا سونگ نشان‌دهنده گستره تجارت بندر تاریخی نجیرم با تمدن‌های چین باستان در قرون نهم تا سیزدهم میلادی است.

سفال چانگشا (Changsha) از خمیر سنگ به رنگ خاکستری یا نخودی و پوشش گلی سفید رنگ به صورت کاسه‌های سبزی یا سبزه‌های رنگ در شهری به همین نام در قرن نهم میلادی تولید شده است. نقوش این سفال شامل طرح‌های خطی و به صورت نقش گل به چشم می‌خورد (Rougeulle, 1991: 21-24). این ظروف سنگی در بندر تاریخی سیراف توسط وایت‌هاووس (Whitehouse, 1973: 248-249) و در «صحار» توسط «روگیولی» معرفی شده است (Rougeulle, 1991: 21-25). سفال چانگشا از دوره تانگ متأخر (۹۰۶-۸۱۸ م.) تولید شده و توسط بازرگانان چینی به اقیانوس هند و خلیج فارس تجارت شده است (Flecker, 2001: 335). (Whitehouse, 1973: 249-251). «لویی» معتقد است این سفال از اواسط سلسله تانگ تا اواخر تانگ تولید شده (Liu, 1991: 225)، اما «واتسون» آن را متعلق به نیمه دوم قرن نهم میلادی می‌داند (Watson, 1984: 64). این سفال دارای تنوع چندانی در فرم و شکل نیست و اغلب به صورت کاسه، کوزه و تنگ دهان‌گشاد است. شهر چانگشا، مرکز ایالت «هونان» (Hunan) در بخش مرکزی چین از طریق رودخانه «یانگ‌تسه» سفال چانگشا را از اواخر دوران ساسانی تا قرن چهارم هجری قمری به کانتون انتقال داده و سپس به خلیج فارس و شرق آفریقا صادر می‌کرده است. تعدادی از این سفال توسط وایت‌هاووس در سیراف شناسایی شده است؛ هم‌چنین کشتی غرق شده «بلینگتون» که در «تنگه سیاه» اندونزی، حاوی تعداد بی‌شماری ظروف چانگشا بوده که از چین به مقصد اقیانوس هند در حرکت بوده است (Flecker, 2001: 335). سفال‌های چانگشا از کوره‌های سفالگری چین به بسیاری از کشورهای جنوبی آسیا، شبه‌قاره هند، سریلانکا، خلیج فارس، دریای سرخ، سامرا، نیشابور، قاهره، سوهار و سوریه در دوره تانگ تجارت می‌شده است (Rougeulle, 1996: 161).

در بررسی باستان‌شناسی بندر تاریخی نجیرم انواع سفال چانگشا شناسایی گردید. در میان این یافته‌ها ۸ قطعه سفال چانگشا از نوع اول، ۳ قطعه از نوع دوم و ۱۵ قطعه از نوع سوم است که همگی شامل فرم کاسه و متعلق به سلسله تانگ (قرن نهم میلادی) است. هم‌چنین ۵ قطعه سفال چانگشا با فرم خمره‌های متوسط و کوچک شناسایی شد که دارای نقش مایه‌های برگ نخل، شیر و نقش نوازنده است. شناسایی سفال‌های چانگشا در بندر تاریخی نجیرم نشان‌دهنده تجارت دریایی با سلسله تانگ در قرن نهم میلادی است.

در دوره مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ م.) سفال سلادن جای خود را به سفال تازه‌ای به نام آبی سفید داد و تولید سلادن متوقف گردید. تنها در اواخر این دوره، سلادن خشن با کاربرد روزمره تولید شد (Valnsein, 1988: 203) سفال آبی سفید تا سده اخیر در چین تولید شده و به‌عنوان یک کالای تجاری ارزشمند تا بازارهای خاورمیانه و حتی اروپای غربی تجارت شده است.

اولین بار لعاب آبی‌رنگ در بین‌النهرین به وسیله کاربرد لاجورد به‌عنوان یک سنگ گران‌قیمت، تولید شد. بعداً در دوران اسلامی در طول دوره «عباسیان»، لعاب آبی کبالت در دوران اسلامی متداول گردید. این کبالت از معادن نزدیک کاشان، عمان و شمال حجاز به دست می‌آمد. اولین ظرف آبی سفید چینی در قرن اول میلادی در استان «هونان» در سلسله تانگ تولید شد؛ البته از این نخستین سفال‌های آبی سفید، تنها چند قطعه محدود شناسایی شده است. سفال‌های آبی سفید دوره تانگ که در مقایسه با آبی سفیدهای دوره سونگ خام‌تر بودند، تا قبل از ۱۹۸۵ م. ناشناخته بودند. سفال‌های آبی سفید دوره تانگ در واقع چینی نیستند و به صورت سفال‌هایی با پوشش سفید متمایل به سبز و لعاب کبالت آبی ساخته شده‌اند. تنها سه قطعه ظرف سفالین سالم آبی سفید سلسله تانگ در کشتی بلیتونگ در اندونزی به سال ۱۹۸۸ م. شناسایی شد که بعداً به سنگاپور فروخته شده است. چنین به نظر می‌رسد تکنیک ساخت این سفال‌ها برای چندین قرن به فراموشی سپرده شده بود. در مطالعات اوایل قرن بیستم میلادی، توسعه ظروف چینی آبی سفید کلاسیک به دوره مینگ نسبت داده شد. اما مطالعات بعدی نشان داد که تاریخ ساخت این ظروف در حدود ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ م. بوده و در نیمه این قرن به صورت کامل توسعه پیدا کرده است؛ البته در خصوص تاریخ تولید اولین سفال آبی سفید اختلاف نظر وجود دارد و برخی آغاز آن را به سلسله سونگ جنوبی نسبت می‌دهند، اما این نظریه، منتقدان بسیاری دارد. در اوایل قرن چهاردهم میلادی تولید حجم زیادی از سفال مرغوب آبی سفید در «جینگ دژان» (Jingdezhen) به‌عنوان پایتخت سفال چینی کشور چین آغاز گردید. این پیشرفت بزرگ در تولید سفال آبی سفید به دلیل ترکیب تکنیک سفالگری چین و تجارت با سرزمین‌های اسلامی بود. تولید سفال‌های آبی سفید در این دوره به واسطه صادرات کبالت از ایران امکان پذیر شد. کبالت به‌عنوان یک کالای با ارزش، با قیمتی بیش از طلا مورد توجه سفالگران چینی قرار گرفت و نقوش و نقش مایه‌های سفال آبی سفید نیز از تزئینات اسلامی اقتباس می‌شد. حجم بزرگی از ظروف سفالین آبی سفید تولید شده و سپس از طریق «گوانجو» (کانتون) به وسیله

تجار مسلمان به بازارهای تجاری آسیای جنوب غربی تجارت گردید (Krahl et al., 2017: 7-25).

بعد از قرن شانزدهم میلادی معادن محلی کبالت در چین کشف گردید؛ اگرچه کبالت ایرانی به عنوان یک مواد گران تر باقی ماند. تولید سفال آبی سفید در جینگ دژن تا به امروز ادامه دارد. سفال آبی سفید در مرکز جینگ دژن به روزگار پادشاهی امپراتور «کانگ‌خی» (Kangxi) در سلسله «چین» (Qing Dynasty)، (۱۷۲۲-۱۶۶۱ م.) به بالاترین حد از تکنیک تولید رسید. از قرن سیزدهم میلادی تولید سفال آبی سفید در دیگر کشورها، به ویژه در خاورمیانه آغاز گردید و نقش مایه‌های اژدها و گل‌های لوتوس در تولیدات اسلامی در سوریه، مصر و ایران نمودار گردید (Zhang et al., 2000: 10).

در بررسی باستان‌شناسی بندر تاریخی نجیرم تعداد ۶ قطعه سفال آبی سفید شناسایی شد که متعلق به دوره مینگ است و به روزگار صفویان از طریق خلیج فارس به ایران تجارت شده است. شناسایی سفال‌های آبی سفید از استمرار تجارت دریایی بین بندر تاریخی نجیرم و چین تا قرن پانزدهم میلادی حکایت دارد. سفال‌های دارای لعاب قهوه‌ای به دو شکل به چشم می‌خورند؛ نخست، به صورت خمره‌های متوسط با لعاب قهوه‌ای تیره و براق هستند که به دلیل برخورداری از چهار دسته روی شانه ظرف، احتمالاً برای حمل مایعات به کار می‌فته‌اند. نمونه‌های از این نوع سفال در کاوش‌های شهر حریره (سورتیجی، ۱۳۸۴) و تعداد بیشتری در کشتی تاریخی «نانهائی یک» (قرن دوازدهم میلادی) در دریای جنوب چین شناسایی شده است. نوع دوم، سفال‌های دارای لعاب قهوه‌ای روشن و براق است که به صورت خمره‌های کوچک با دهانه باز دیده می‌شود. یک نمونه از این نوع سفال توسط وایت‌هاووس در بندر تاریخی سیراف معرفی شده است. در بررسی و شناسایی بندر تاریخی نجیرم تعداد ۴ قطعه سفال از نوع نخست و ۴ قطعه از نوع دوم شناسایی شده است که نشان‌دهنده استمرار تجارت دریایی با چین باستان در قرن دوازدهم میلادی است.

هم‌چنین در بررسی باستان‌شناسی بندر تاریخی نجیرم، تعداد ۱۱ عدد سکه چینی شناسایی شده است که دو عدد از سکه‌ها متعلق به سلسله تانگ (۶۱۸ تا ۹۰۷ م.)، یک عدد مربوط به سلسله جین (۱۲۳۴-۱۱۱۵ م.)، یک سکه از سلسله سونگ جنوبی (۹۶۰ تا ۱۲۷۹ م.) و یک سکه از سلسله وان (۱۲۷۱-۱۳۶۸ م.) به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده استمرار تجارت با چین در دوره‌های بعد از سونگ می‌باشد. آخرین سکه، متعلق به سلسله چینگ یا دودمان «منچو» آخرین سلسله پادشاهی چین (۱۶۴۴ تا ۱۹۱۲ م.) است؛ اگرچه از دوره سلسله مینگ سکه‌ای شناسایی نشده است، اما سفال‌های این دوره (۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ م.) در نجیرم شناسایی شده است.

مطالعه سفال‌ها و سکه‌های چینی مکشوف از بندر تاریخی نجیرم نشان می‌دهد که از سال ۶۱۸ تا ۹۰۷ م. روابط تجاری بین بندر تاریخی نجیرم و سلسله‌های چین آغاز و تا ۱۹۱۲ م. ادامه می‌یابد؛ یعنی به مدت حداقل ۱۳۰۰ سال از دوره ساسانی

تا اوایل دوره ایلخانی، تجارت دریایی از طریق جاده ابریشم دریایی استمرار داشته است.

نتیجه گیری

در بررسی پیمایشی بندر تاریخی نجیرم که به صورت ویرانه‌های باستانی و پراکندگی مواد فرهنگی به طول سه کیلومتر به موازات خط ساحلی قابل مشاهده است، مواد فرهنگی دوره ساسانی تا سده‌های میانی دوران اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت. در این بررسی باستان‌شناسی، علاوه بر شناسایی مواد فرهنگی متعلق به دوره ساسانی و اسلامی، تعداد بی‌شماری مواد فرهنگی از سلسله‌های مختلف چین باستان، شامل سفال‌ها و سکه‌های چینی شناسایی گردید. سفال‌های سلاذن شامل انواع یوئه و لانگ چوان، سفال چانگشا، سفال آبی سفید و سفال با لعاب قهوه‌ای، از جمله مهم‌ترین سفال‌های چینی مکتشف در بندر تاریخی نجیرم بود. سکه‌های چینی متعلق به سلسله‌های تانگ (۹۰۷-۶۱۸ م.)، جین (۱۲۲۴-۱۱۱۵ م.)، سونگ جنوبی (۱۲۷۹-۹۶۰ م.) و سلسله وان (۱۳۶۸-۱۲۷۱ م.) بود؛ هم‌چنین یک قطعه سکه متعلق به سلسله چینگ است که ۱۶۳۳ تا ۱۹۱۲ م. بر چین حکومت می‌کرده است. براساس سفال‌ها و سکه‌های چینی مشکوف از بندر تاریخی نجیرم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این بندر تاریخی از دوره ساسانی تا قرن هشتم هجری قمری روابط تجاری داشته است؛ البته اوج این تجارت دریایی از دوره ساسانی تا دوره ایلخانی بوده است و بعد از آن مرکز تجارت در خلیج فارس به دیگر نقاط منتقل شده است. با مطالعه سفال‌ها و سکه‌های چینی مشکوف از بندر تاریخی نجیرم می‌توان به این نتایج رسید:

- ۱- عمده تجارت دریایی بندر تاریخی نجیرم با چین باستان بوده است.
 - ۲- مواد فرهنگی وارد شده به این بندر تاریخی، شامل سفال و سکه‌های چینی است که هر یک از تنوع زیادی برخوردار هستند.
 - ۳- مواد فرهنگی مورد مطالعه متعلق به سلسله‌های تانگ (۹۰۷-۶۱۸ م.)، سونگ جنوبی (۱۲۷۹-۹۶۰ م.)، جین (۱۲۳۴-۱۱۱۵ م.)، یوان (۱۳۶۸-۱۲۷۱ م.) و چینگ بزرگ (۱۹۱۲-۱۶۴۴ م.) است.
 - ۴- این مواد فرهنگی از دوره ساسانی تا سده‌های میانی اسلامی و در یک مورد مربوط به یک قرن گذشته است.
- سفال‌ها و سکه‌های چینی مکتشف از بندر نجیرم قابل مقایسه با بنادر دیگری هم‌چون سیراف، ماهروبان، حریره کیش، میناب و برخی بنادر عربی است.

کتابنامه

- ابوالفداء ۱۳۴۹، تقویم البلدان. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی ۱۳۶۸، مسالک و ممالک.
- ترجمه ایرج افشار، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شرکت علمی و فرهنگی.

- ابن بلخی ۱۳۷۱، فارسنامه. براساس متن مصحح: لسترنج و نیکلسن، توضیح و تحشیه از: منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن حوقل، ۱۳۴۵، صورة الارض. ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- توفیق‌یان، حسین، ۱۳۹۳، بنادر تاریخی خلیج فارس، دوره ساسانی تا صدر اسلام، براساس مطالعات باستان‌شناسی و باستان‌شناسی زیر آب. تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- پزار، موریس، ۱۳۸۴، مأموریت در بندر بوشهر گزارش حفاری‌ها و مطالعات باستان‌شناسی. ترجمه سید ضیاء مصلح، توضیحات و تعلیقات: غلامحسین نظامی، بوشهر: انتشارات شروع.
- دریایی، تورج، ۱۳۸۳، شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات ققنوس.
- دریایی، تورج، ۱۳۸۶، تجارت دریایی خلیج فارس در اواخر دوره باستان. ترجمه حسین کیان‌راد، تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- دیولافوا، مادام، ۱۳۹۰، سفرنامه دیولافوا ایران و کده ۱۹۲۰-۱۸۴۳. ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: دنیای کتاب.
- سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۸۴، بررسی و شناسایی آثار باستانی دیر. تهران: مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی.
- شوارتس، پاول، ۱۳۸۲، جغرافیایی تاریخ فارس. ترجمه جهان‌داری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- جعفری، سیدمحمی‌الدین، ۱۳۸۴، «زمین‌شناسی خلیج فارس در ناحیه ساحلی سیراف». مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف، جلد دوم، بوشهر: بنیاد ایران‌شناسی بوشهر، صص: ۲۲-۳۴.
- گابوه، هانس، ۱۳۵۹، ارجان و کهکیلویه از فتح عرب تا دوره صفوی. ترجمه سعید فرهودی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی ایران.
- لسترنج، گی، ۱۳۷۳، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمد عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عزیزی، سعید، ۱۳۹۷، تاریخ چین از آغاز تا قرن ۲۱. یزد: انتشارات سید علی زداد.
- قدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۸۵، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علی‌نقی منزوی، چاپ کاویان، جلد دوم، تهران: انتشارات کومش.
- وایت‌هاوس، دیوید، ۱۳۸۶، سیراف بندری ساسانی. ترجمه محمدرضا سارخانی، مجموعه مقالات خلیج فارس در حدیث دیگران، به‌اهتمام: امیرهوشنگ انوری، تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- وایت‌هاوس، دیوید؛ و آندره، ویلیامسون، بی‌تا، بازگانی دریایی ساسانی. ترجمه گیو آفاسی، تهران: انتشارات آریا.
- وثوقی، محمدباقر، ۱۳۸۴، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار. تهران: سمت.

- ونکه، رابرت جی، ۱۳۸۱، «غرب ایران در دوره پارت و ساسانی». باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.

- ویلسون، آرنولد، ۱۳۸۴، خلیج فارس. ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.

- ویلیامسون، اندره، ۱۳۵۱، «تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و در قرون اول و دوم هجری قمری». تهران: مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۹ و ۱۰، صص: ۱۵۱-۱۴۲.

- Abolfeda, 1971, *Taghvim alboldan*. Translated by: Abdolmohamad Ayati, Publishing Bonyad Farhang Iran (in Persian).
- Azizi, S., 2019, *History of China from the beginning to the 21st century*. Yazd, Entesharat Seyd Ali (in Persian).
- Britt, J., 2007, *The complete guide to high-fire glazes: glazing and firing*. New York, Sterling Company.
- Careter, R.; Challis, K.; Priestman, S. M. N. & Tofighian, H., 2004, "The Bushehr Hinterland Results of the First Season of the Iranian-British Archaeological Survey of Bushehr Province". *Iran*, No. XLIV, Pp: 63-103.
- Campbell, G., 2006, *The Grove Encyclopedia of Decorative Arts*. Vol 2, London, Oxford University Press.
- Chen, K., 2000, *Chinese porcelain: art, elegance and appreciation*. San Francisco, Long River Press.
- Daryaei, T., 2005, *Sassanid Empire*. Translated by: Mourteza Saghenfar, Tehran: Entesharat-e ghoghnos (In Persian).
- Daryaei, T., 2008, "Persian Gulf maritime trade in late antiquity". Translated by: Hossein Kiyarad, Bonyad-e Iranshenasi (in persain).
- Deng, Y., 2011, *Ancient Chinese invention*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Dewar, R., 2002, *Stoneware*. Pennsylvania, University Pennsylvania Press.
- Diolafova, M., 2012, "Safarnsameh Diolafova dar Iran and Kaldeh 1920 - 1843". Translated by: Ali Mohamad Faravashi, Tehran: Donyaye Ketab (in Persian).
- Fang, L., 2011, *Chinese ceramics*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Fuqua, J. A., 2007, "The essence of tea: the effects of Lu yus " Chu' Ching" on the extent of changes". in *tea drinking and the material cultural of Yue ware in Tang China after 78. AD*, Nacogdoches, Stephen F. Austin State University.
- Garner, H. M., 1959, "Chinese Celadon Wares". *The Burlington Magazine*, No. 101, (678/679), Pp: 64-67.
- Gavbeh, H., 1980, Arjan and Kohkiluyeh from the Arab conquest to

the Safavid period. Translated by: Aaeid Farhodi, Tehran: Entesharat-e Anjoman Asar-e Tran (in Persain).

- Gompertz, G. M., 1963, *Korean Celadon*. London, Faber and Faber.

- Guy, J. 1986, *Oriental trade ceramics in South-East Asia, ninth to sixteenth centuries: with a catalogue of Chinese*. Vietnamese and Thai wares in Australian collections, Oxford, Oxford University Press.

- Hansman, J., 1985, "Julfar, An Arabian Port. Its Settlement and Far Eastern Ceramic Trade from the 14th to the 18th Centuries". *Royal Asiatic Society Prize Publication Fund*, Vol. 22. London.

- Ibn Balkhi, 1993. *Farsnameh*. Based on Proofreading: Lestering and Nicholson, Explanation and Annotation of Mansor Rastegar Fasaei, Shiraz: Bonyade Fars Shenasi (in Persian).

- Ibn Hoghol, 1967, *Sorat Alarz*. Translated by: Dr. Jafar Shoar, Tehran: Bonyade Fars Shenasi (in Persian).

- Istakhri, A. I. I. M. F., 1990, "Masalak va Mamalak". Translated by: Iraj Afshar, Tehran: Sherkat-e Elmi Farhangi (in Persian).

- Jafari, S. M., 2006, "Geology of Persain Gulf in the coastal area". *Majmeh Maghalat Kongereh Siraf*, Vol. 2, Boushehr: Bonyad Iranshenasi, Pp: 22-34 (in Persian)

- Krahl, R., 1997, "Vietnamese blue-and-white and related wares". J. Stevenson & J. Guy (eds). *Vietnamese ceramics: a separate tradition*. Chicago, Pp: 146-157: 154.

- Kennet, D., 2004, *Sasanian and Islamic pottery from Ras al- Khaimeh. classification, chronology and analysis of trade in the western Indian Ocean*. Oxford, BAR Int. Ser. 1248.

- Krahl, R., 1986, "Chinese Ceramics in the Topkapi Saray Museum. A Complete Catalogue". 3 Vols, London, Medley, M., 1976, *The Chinese potter, a practical history of Chinese ceramics*, Oxford, Pp:146 -152.

- Koechlin, R., 1928, *Les ceramiques musulmanes de Suse au Musee du Louvre*. MAP, 19.

- Qudsi, A. A. M. A., 2007, *Ahsan al-Taqasim fi Maarefa al-Aqalim*. Translated by: Ali Naghi Monzavi, Vol. 2, Tehran: Entesharat-e Komesh (in Persian)

- Lee, E., 1956, "The Celadon tradition". *The Bulletin of the Cleveland Museum of Art*, Vol. 43 (3) Pp: 46-52.

- Lestering, G., 1995, *Historical Geography of the End of the Eastern Caliphate*. Translated by: Mohamad Erfani, Tehran: Entesharat-e Elmi Farhangi (in Persain)

- Le Strange, 1912, *Province of Fars in Persia in the beginning of the fourteenth century A.D*. Londen, the royal aslatic society: 49.

- Medley, M., 1974, *Yuan Porcelain and stoneware*. London, Faber and Faber.

- Morgan, P., 1991, "New thought on Old Hormuz: Chinese ceramics in the Hormuz region in the thirteenth and fourteenth century, Iran". *Journal of the British Institute of Persian Studies*, No. 29, Pp: 67-84.
- Pezar, M., 2006, *Mission in Bushehr port Report of excavations and studies*. Translated by: Seyd Zia Mosleh, Entesharat Shorou (in Persian)
- Priestman, S. M. N., 2005, *Settlement & ceramics in Southern Iran: an analysis of the Sasanian & Islamic periods in the Williamson collection*. Durham theses, Durham University. Available at DurhamE-Theses.
- Priestman, S. M. N., 2013, *A quantitative archaeological analysis of ceramic exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean, AD c.400 - 1275*. University of Southampton, Faculty of Humanities, Doctoral Thesis.
- Rougeulle, A., 1990, "Les importation de ceramique chinoise dans le golf arabo-persique (VIII- X siècles)". *Archeologie Islamique* No. 2, Pp: 5-46.
- Regina, K.; John Guy, J.; Wilson, K. & Raby, J., 2017, "Tang Blue-and-White". *Arthur M. Sackler Gallery*, Washington DC, Smithsonian Institution, Pp: 7-25.
- Sarfaraz, A., 2006, *Archaeological Survey of Dayer*. Markaz-e Asnad-e Pajoheshkadeye Bastanshenasi (in persian).
- Shoarts, P., 2004, *Geographical history of Persia*. Trenslated by: Hahandari, Tehran: Anjoman va Mafakher Farhangi (in Persian).
- Stein, M. A., 1937, *Archaeological Reconnaissance in India and South Western Iran*. London.
- Takahito, M., 1988, *Cultural and economic relations between East and West: sea routes*. Wiesbaden, Ott Harrassowitz Verlag.
- Tampeo, M., 1989, *Maritime trade between China and west: an archeological study of the ceramics from Siraf (Persian Gulf) 8 to 15th century A. D.* Oakville, David Brown Book Company.
- Tregear, M., 1987, *Chinese ceramics in the Ashmolean Museum: an illustrated handbook to the collections*. Oxford, Ashmolean Museum.
- Tofighian, H., 2015, *Historical ports of the Persian Gulf, Sassanid period to the beginning of Islam, based on archaeological and under water archaeological studies*. Tehran: Entesharat-e Pajoheshgah-e Miras Farhangi (in Persain)
- Valenstein, S., 1988, *A hand book of Chinese ceramics*. New York, Metropolitan Museum of Art.
- Vanke, R. J., 2003, *Western Iran in the Parthian and Sassanid periods*. Bastan Shenasi Gharb-e Iran, Translated by: Zahra Basti, Tehran: Samat (in Persain).
- Vosoghi, M. B., 2006, *History of the Persian Gulf and neighboring countries*. Tehran: Samat (in Persian).
- Watson, O., 2004, "Chinese-Iranian relations: mutual influence of

Chinese and Persian ceramics”. *Encyclopaedia Iranica*, No. V (5), Pp: 455-457.

- White House, D., 2007, *Sassanid port of siraf*. Translated by: Mohamreza Sarokhani, Majmoeih Maghalat Khalije Fars, Tehran: Bonyade Iranshenasi (in Persain).

- White House, D. & Williamson, A., *Sassanid Maritime Commerce*. Translated by: Giv Aghasi, Tehran: Entesharat-e Arya. (in Persian).

- Whitehouse, D., 1968, “Excavations at Siraf: first interim report, Iran”. *Journal of the British Institute of Persian Studies*, No. 6, Pp: 1-22.

- Whitehouse, D., 1971, “Excavation at Siraf: frouth interim report, Iran”. *Journal of the British Institute of Persian Studies*, No. 9, Pp: 1-17.

- Whitehouse, D., 1976, “Kish”. *Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies*, No. 14, Pp: 146-147.

- Whitfield, R. & Chan, T., 2009, *National Museum of Korea*. Seoul, National Museum of Korea.

- Wilkinson, Ch. K., 1973, *Nishabur: pottery of the early Islamic period*. New York, Metropolitan Museum of Art.

- Williamson, A., 1970, “Islamic trade routes in southern Iran”. *IRAN Journal of the British Institute of Persian Studies*, No. 8, Pp: 177.

- Williamson, A., 1973, “Trade in the Persian Gulf during the Sassanid period and in the first and second centuries AH”. Tehran: *Bastanshenasi va Honar Iran*, No. 9 & 10, Pp: 142-151. (in Persian).

- Williamson, A., 1987, “Regional distribution of medieval Persian pottery in the light of recent investigations”, Oxford, *Studies in Islamic Art*, No. 4, Pp: 11-12.

- Wilson, A., 2006, *The Persian Gulf*. Translated by: Mohamad Saeidi. Tehran: Bongah Tarjemeh va Nashr (in Persain).

- Won-Bok, L., 2009, *Royal ceramics of Goryeo Dynasty*. Seoul, National Museum of Korea.

- Yun, Y., 2005, *The Gompertz and other collection in the Fitzwilliam Museum*. Cambridge, Cambridge University Press.

- Zakin, R., 2011, *Ceramics- mastering the craft*. Wisconsin, Krause Publication

- Zhang, G., Cheng, Z. & Wang, Q., 2000, “Jingdezhen’s Ceramic Civilization: The Past and Today”. *Proceedings of the 2015 International Conference on Humanities and Social Science Research*, P: 10.